

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



## از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

به ادامه گذشته:

اثر فوق الذکر سید جمال الدین را که صدر اعظم تصمیم به ترجمه و چاپ آن گرفت ، علت سیاسی داشت . در آنوقت در ایران چند جلد کتاب در ثبوت ایرانی الاصل بودن سید چاپ شده و دولت ایران رسماً تقاضای انتقال جسد سید را از ترکیه به ایران کرده بود. سفیر افغانستان در تهران (مرحوم عبدالحسین خان عزیز) موضوع را به کابل نوشت و هم نزد سفیر ترکیه به تهران رفته خاطر نشان ساخت که انتقال جسد سید افغانی به ایران باعث آزردگی ملت و حکومت افغانستان خواهد شد و از محمد هاشم خان جداً تقاضا کرد در زمینه با دولت ترکیه تماس بگیرد. همان بود که دولت افغانستان زیر فشار ننگ افغانی قرار گرفته مجبور به اقدامات سیاسی شد و دولت ترکیه که می فهمید سید جمال الدین اولاد افغانستان است ، جسد سید را از راه پاکستان به کابل انتقال داد که به هنگام ورود به لاهور یک شب در حظیره مریدش علامه اقبال لاهوری مانده بود.

یگانه کتاب در باره رویدادهای ۲۰ سال اول سلطنت نادر خان – ظاهر خان به قلم یکنفر امریکائی (ارمنی الاصل) موسوم به Gregorian تحت عنوان (The Emergence of Modern Afghanistan) در سال ۱۹۶۹ م نشر شد. سردار محمد نعیم خان که در سال ۱۹۴۸ م به حیث سفیر افغانستان به واشنگتن مقرر شد و در سال ۱۹۵۰ م که کاکایش برای معالجه و استراحت به امریکا آمد ، این دونفر با در نظر گرفتن تحولات در جهان و بیدار شدن ملت افغان میدانستند که دوره اجحاف و تاریک حکومت محمد هاشم خان توسط نسل های آینده اقیانوس خواهد شد ، بین هم فیصله کردند تا شخصی را پیدا کنند که در باره دوره تاریک حکومت هاشم خان کتابی از عینک خوش بینی بنویسد. مرحوم داکتر عبدالحکیم طیبی که در آنوقت به حیث آتشه در سفارت واشنگتن کار میکرد و در عین زمان درس میخواند تا دیپلوم دکتورای خود را حاصل نماید ، در صحبتی به من گفت که سردار محمد هاشم خان از او تقاضا کرد تا کدام

پروفیسری راکه علاقه مند مطالعه اوضاع افغانستان باشد پیدا کند ، و پروفیسر گریگوریان توسط داکتر طبیعی به محمد نعیم خان و محمد هاشم خان در واشنگتن معرفی شد. محمد هاشم خان در بازگشت به افغانستان اسناد زیادی جمع آوری و از طریق محمدنعیم خان به دسترس او قرار داد ، بعداً پروفیسر گرگورین به حیث مهمان به مصرف دولت افغانستان به افغانستان رفت و کتاب فوق خود را در سال ۱۹۶۹م نشر کرد که چنانچه از عنوان آن « **ظهور افغانستان عصری ( مودرن )** » برمی آید ، سراپا توصیف و تمجید از دوره کار و صدارت محمد هاشم خان میباشد. در این کتاب حجیم از زندانهای محمد هاشم خان و هزاران بیگناهی که در زندانهای او جان سپرده اند، هیچ ذکری نرفته است.

رویداد دیگری نیز به ارتباط علامه سید جمال الدین افغانی به وطنش در اینجا ذکر میشود :  
از سادات کثر دو نفر در برگشت از حج بیت الله از طریق شام (سوریه) به دیدن سید جمال الدین افغانی به استانبول رفته بودند ، یکی مرحوم سید جعفر پاچا (پدر کلان هاشمیان) و دیگری مرحوم سید حسین پاچا ( پدر سید احمد پاچا و فرقه مشر سید حسین خان متخلص به شیون و سید عباس پاچا و سید عبدالحمید پاچا و غیره )  
سید جعفر پاچا نماینده ولایات مشرقی(جلال آباد ، شینوار ، کنرو لغمان) و مشاور مقرب دربار امیر عبدالرحمان خان بود و بعد از کشتار فجیع هزاره ها تحت حکمرانی سردار عبدالقدوس خان اعتمادالدوله ، سید جعفر پاچا به فرمان امیر عبدالرحمان خان به حیث حکمران هزاره جات مقرر شد که میر محمد صدیق فرهنگ در اثر خود (افغانستان در پنج قرن اخیر/ص. ۲۷ ) او را متهم به انتقال و مسکون ساختن پشتونها در مناطق افغانستان مرکزی نموده است . اما هدف امیر عبدالرحمان از تقرر سید جعفر به هزاره جات دلجوئی و استمالت هزاره ها بعد از کشتار فجیع امیر بود ، چونکه مردم شریف هزاره به سادات کثر حرمت و احترام داشتند .

آنچه من (هاشمیان) از زبان پدرم در باره ملاقات پدر کلانم سید جعفر پاچا با سید جمال الدین افغان شنیده ام قرار ذیل است :

مرحوم سید جعفر پاچا در برگشت از زیارت بیت الله در سنه ۱۸۹۵ م مدت سه هفته نزد عموزاده پدر خود سید جمال الدین در استانبول مانده و در مراجعت به کابل را پور سفر و مشاهدات خود را ، به شمول اقامت در استانبول و دیدار با سید جمال الدین ، به دربار عام امیر عبدالرحمان خان که سرداران و اعزّه دربار هم حاضر بودند ، شفائی گزارش داد و خواهش و پیام سید جمال الدین افغان را به امیر عبدالرحمان خان سپرد و گفت : « کاکای من حضرت سید جمال الدین بعد از عرض تعظیمات به حضور امیر صاحب التجاء میکند به او اجازه داده شود که چند ماه متباقی حیات خود را در کثر گذرانده و همان جا دفن شود . »

امیر عبدالرحمان خان سید جعفر را مخاطب قرار داده گفت : « پاچاصاحب ، این مطلب را که گفتید همینجا نزد ما و شما باشد ، نه آنرا تکرار کنید و نه به جای دیگر حکایت کنید !»

پدرم میگفت که به اساس روایت پدرش (سید جعفر پاچا) ، امیر عبدالرحمان خان در دوره سلطنت عم خود امیر محمد اعظم خان با سید جمال الدین مخالفت پیدا کرد زیرا سید جمال الدین وزیر اول (صدراعظم) امیر محمد اعظم خان و سخت مخالف انگلیس بود و سردار عبدالرحمان خان را که طرفدار سازش با انگلیس بود ، به کار های دولتی حق مداخله نمیداد ، بلکه او را « کله خشک سرتنبه » میخواند ، و به مشوره سید جمال الدین امیر محمد اعظم خان سردار عبدالرحمان خان را به ترکستان مقرر کرده از کابل دور ساخت . سید جمال الدین افغان در دوره سلطنت امیر عبدالرحمان ( ۱۸۸۰ – ۱۹۰۱ م ) در کشور های خارجی آواره و پناهنده بود ، اما در وطن خود او افغانستان انگلیس و امیر عبدالرحمان خان حاکم بوده ، هر دو نمیخواستند که سید به وطنش برگردد .

علامه سید جمال الدین افغان در سنه ۱۸۹۷ م ، یعنی چهار سال پیشتر از وفات امیر عبدالرحمان ، در استانبول جان به حق سپرد . جلد دوم سراج التواریخ ثبوت عناد و بد بینی امیر عبدالرحمان را با سید جمال الدین در بردارد، زیرا از صفحه ۱۴۲ تا ۱۶۹ این کتاب که وقف حادثات دوره سلطنت امیرمحمد اعظم خان از زبان برادرزاده اش امیر عبدالرحمان خان میباشد ، نام سید جمال الدین در این گزارش دیده نمیشود ، در حالیکه مؤرخین انگلیسی رول و موقف وطنپرستانه و ضد انگلیسی سید جمال الدین افغان را در این دوره با انتقاد و بد بینی ثبت کرده اند !

پدرم از زبان پدر خود (مرحوم سید جعفر پاچا) میگفت که با سید جمال الدین به زبان پشتو صحبت میکرده و تسلط سید به زبان پشتو مثل هر افغان سمت مشرقی بود . سید افغانی حکایات زیادی از دوره وزارت خود در سلطنت امیر محمد اعظم خان به سید جعفر گفته بود که کاکا ها و پدرم همه آن روایات را به محمد امین خان خوگیانی گفته بودند که گزارش او را محمد هاشم خان صدراعظم ضبط قبض کرده بود .

مرحوم سید حسین پاچا گزارش دیدار خود را با علامه سید جمال الدین به امیر حبیب الله خان ، اعلیحضرت امان الله خان و سردار محمد هاشم خان نایب الحکومه ولایات مشرقی (بعداً صدراعظم) و هم به سردار فیض محمد خان زکریا و علی محمد خان (بعداً وزیر خارجه) گفته بود . سید حسین پاچا فرزند سید غلام پاچا (شاعر پشتو و صاحب دیوان) و شخص خوش صحبت و صاحب دسترخوان بود ؛ سرداران و اعزّه کابل که در موسم زمستان به جلال آباد میرفتند ، از صحبت و دسترخوان سید حسین پاچا فیض میبردند .

من نقد این کتاب خواندنی را به همین جا خاتمه میدهم چونکه اگر پیرامون بخش هفتم «استنتاج» و بخش هشتم «سیر انکشاف مطالعات مشروطه خواهی» بیشتر تبصره کنم صفحات بیشتر پر و خواننده را بیحوصله میسازد . سفارش من به حیث یک موسفید هشتاد ساله و علاقه مند به تاریخ و تنور نسل و اولاد افغان ، آنهایکه میخواهند واقعیت های پشت پرده و ناگفته را بدانند ، اینست که این کتاب را بخوانند .

دعای خیر من شامل حال داکتر صاحب اجرالدین حشمت میباشد که این تتبع مفید و آموزنده را به دسترس نسل افغان میگذارد . خداوند عمر دراز ، صحت ، توانائی و حوصله بیشتر نصیب فرماید تا برای غنای فرهنگ کشورش خدمات بیشتر و بیشتر انجام دهد.

خد متگار افغانستان

دکتور سید خلیل الله هاشمیان

۱۵ ماه می ۲۰۰۷ – کلفورنیا

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

**Dr. Ajruddin Hashmat**  
**97 Forest Heights Str.**  
**Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada**  
**Tel (905) 665-8767**